

The Role of Political Freedom in Safeguarding the Political System in the Life of Imam Ali(AS)

Najaf Lakzaei¹, Zahra Haghi²

¹ Professor, Department of Political Science, Baqir al-Olum University; a member of the Political Studies Association, Qom, Iran. nlakzaee@gmail.com

² Ph.D., Department of Nahj al-Balagheh Science and Education, University of Quran and Hadith Sciences, Qom, Iran (**Corresponding author**). Zahra_haggy@yahoo.com

Abstract

The present research aims to examine the role of political freedom in safeguarding the political system, focusing on the life of Imam Ali (AS). In this regard, the concept of preserving security and its dimensions is initially explained. Subsequently, political freedom and its indicators, including freedom of thought, belief, expression, writing, public participation, criticism, and critique of the performance of government officials in governance and management, and its impact on safeguarding security are discussed using a descriptive-analytical method. The study underscores the correct and desirable functioning of the system in protecting the security of the political system, ensuring political security for citizens, preserving human dignity, providing conditions for the growth and flourishing of their talents in advancing human development, and ultimately contributing to the growth and development of society and the stability and strength of the political system. The results indicate that political freedom plays a positive and constructive role in safeguarding security. If citizens can intervene in government and managerial affairs, the government, with strong public support, can effectively fulfill the security discourse in all security dimensions. Conversely, if an authoritarian government refrains from granting political freedom to citizens, it will face constraints. Thus, the absence of unity between citizens and the government and their lack of support for the government will hinder its ability to carry out the security discourse. Therefore, the role of political freedom in safeguarding security will be negative. This result can serve as a practical model for political systems, especially the Islamic system.

Keywords: Imam Ali (AS), Political Freedom, Political System, Public Participation, Economic Security, Political Security, Judicial Security.

Received: 2023-03-26 ; **Received in revised form:** 2023-04-15 ; **Accepted:** 2023-05-06 ; **Published online:** 2023-05-11

<https://doi.org/10.22034/sm.2023.545109.1800>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



نقش آزادی سیاسی در کارویژه امنیت نظام سیاسی در سیره حضرت علی(ع)

نجف لکزایی^۱، زهرا حقی^۲

^۱ استاد، گروه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم(ع)؛ و عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران. nlakzaee@gmail.com
^۲ دکتری، گروه علوم و معارف نهج البلاغه، دانشگاه علوم قرآن و حدیث، قم، ایران (نویسنده مسئول). Zahra_haggy@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش آزادی سیاسی در کارویژه امنیت نظام سیاسی، در سیره حضرت علی(ع) است. در این راستا ابتدا به تبیین کارویژه امنیت و ابعاد آن پرداخته، سپس آزادی سیاسی و شاخص‌های آن از جمله آزادی اندیشه، عقیده، بیان، قلم، مشارکت عمومی، نقد، انتقاد از عملکرد دولت‌مردان و کارگزاران حکومتی در حکومت و مدیریت، و نیز تأثیرگذاری آن بر کارویژه امنیت، با روش توصیفی - تحلیلی مورد بحث قرار گرفته است. که با عملکرد درست و مطلوب نظام در کارویژه امنیت نظام سیاسی، ضمن برقراری امنیت سیاسی شهروندان، با حفظ کرامت انسان‌ها، موجبات رشد و شکوفایی استعدادهای آنان در ارتقاء تکامل و توسعه انسانی، و نهایتاً رشد و توسعه جامعه و پایداری و قوام نظام سیاسی را فراهم آورد. نتایج حاکی از آن است که آزادی سیاسی، نقش مثبت و سازنده‌ای بر کارویژه امنیت دارد. اگر شهروندان از سوی حکومت، آزادی دخالت در امور حکومتی و مدیریتی را داشته باشند. حکومت نیز با پشتیبانی قوی مردمی می‌تواند کارویژه امنیت را در تمام ابعاد امنیتی به نحو مطلوب ایفا نماید. عکس آن نیز صادق است، در صورتی که حکومتی مستبد، آزادی سیاسی را از شهروندان دریغ کند، در اختناق خواهند بود. پس، به واسطه از بین رفتن اتحاد بین شهروندان و حکومت، و عدم پشتیبانی آنان از حکومت، حکومت نیز توان انجام کارویژه امنیت را نخواهد داشت. بنابراین، نقش آزادی سیاسی بر کارویژه امنیت، منفی خواهد بود. این نتیجه می‌تواند به عنوان یک الگوی کاربردی، برای نظام‌های سیاسی، به ویژه نظام اسلامی به کار رود.

واژه‌های کلیدی: حضرت علی(ع)، آزادی سیاسی، نظام سیاسی، مشارکت عمومی، امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی، امنیت قضائی.

پژوهش حاضر برگرفته از: رساله دکتری در رشته علوم و معارف نهج البلاغه، با عنوان: «کارویژه‌های نظام سیاسی در اندیشه و عمل سیاسی حضرت علی(ع)»، ارائه شده در تاریخ ۱۴۰۱/۷/۲۸ است.

استاد به این مقاله: لکزایی، نجف؛ حقی، زهرا (۱۴۰۲). نقش آزادی سیاسی در کارویژه امنیت نظام سیاسی در سیره حضرت علی(ع). *سیاست متعالیه*.

۱۱ (۴۱): ص ۶۱-۸۰. <https://doi.org/10.22034/sm.2023.545109.1800>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۱/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۶؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۲/۲۱



۱. مقدمه

آزادی سیاسی یکی از مقوله‌های چالش‌برانگیز در علوم سیاسی است که نظام‌های سیاسی همواره با آن مواجه بوده و هستند. اندیشمندان سیاسی که در رأس آن‌ها حضرت علی (ع) قرار دارد، به این مسئله تأکید و به‌طور خاص به آن پرداخته‌اند. در این پژوهش رویکرد نظام سیاسی در رابطه با آزادی سیاسی تأثیرگذار بر کارویژه امنیت، براساس سیره حضرت علی (ع) مورد بررسی قرار گرفته و نتایج آن می‌تواند به عنوان الگوی کاربردی برای نظام‌های سیاسی، به‌ویژه اسلامی مورد استفاده قرار گیرد. در این نوشتار ابتدا به تبیین کارویژه امنیت و ابعاد آن پرداخته، سپس آزادی سیاسی و شاخص‌های آن از جمله آزادی اندیشه، عقیده، بیان، قلم، مشارکت عمومی، نقد، انتقاد از عملکرد دولت‌مردان و کارگزاران حکومتی در حکومت و مدیریت، و نیز تأثیرگذاری آن بر کارویژه امنیت، با روش توصیفی - تحلیلی مورد بحث قرار گرفته است، که با عملکرد درست و مطلوب نظام در کارویژه امنیت نظام سیاسی، ضمن برقراری امنیت سیاسی شهروندان، با حفظ کرامت انسان‌ها، موجبات رشد و شکوفایی استعدادهای آنان در ارتقاء تکامل و توسعه انسانی، و نهایتاً رشد و توسعه جامعه و پایداری و قوام نظام سیاسی را فراهم آورد.

براساس بررسی‌های انجام شده، در تحقیقات پیشین صرفاً به موضوعات آزادی، آزادی سیاسی، امنیت، و امنیت سیاسی پرداخته شده و در یکی از پژوهش‌ها نیز نسبت امنیت سیاسی و آزادی در اندیشه علامه طباطبائی بررسی شده است (لکزایی و نصیری، ۱۳۹۳). پژوهشی که به کارویژه امنیت نظام سیاسی و تأثیر آزادی سیاسی بر کارویژه امنیت پرداخته باشد، یافت نشد، بنابراین، در تحقیق حاضر، نقش آزادی سیاسی در کارویژه امنیت نظام سیاسی در سیره حضرت علی (ع) بررسی می‌شود.

۲. کارویژه امنیت

کارویژه امنیت، یکی از کارویژه‌های اساسی و ضروری نظام سیاسی می‌باشد، به عبارتی حکومت باید وظایف خود در قبال امنیت شهروندان را در تمام عرصه‌های حکومتی و مدیریتی به نحو مطلوب ایفا نماید. در این راستا، برای تبیین آن ضرورت دارد که ابتدا به مفهوم امنیت پرداخته شود. امنیت ضروری‌ترین نیاز هر فرد و جامعه‌ای است که بدون آن زیست انسان با چالش مواجه می‌شود. در مفهوم امنیت، اندیشمندان علوم اجتماعی و صاحب‌نظران دانش سیاسی، تعاریف گوناگونی ارائه داده‌اند. برخی از میان تعاریف امنیت، تعریف آرنولد ولفرز (Welfers, 1952: p.485) - که نوعی تلقی سلبی از مفهوم امنیت است - را جامع‌ترین تعریف دانسته‌اند (موسوی‌کاشمری، ۱۳۸۸: ص ۵۳): «امنیت در معنای عینی، فقدان تهدید در برابر ارزش‌های

کسب شده را مشخص می‌کند و در معنای ذهنی، فقدان ترس و وحشت از حمله علیه ارزش‌ها را تعیین می‌کند». برخی نیز تلقی ایجابی از امنیت دارند و بر اهمیت ترویج و پیشبرد حقوق بشر تأکید می‌کنند (ویلیامز، ۱۳۹۰: ص ۴۰-۴۱). در این تلقی، امنیت به معنای وجود احساس رضایت و اطمینان خاطر نزد دولت‌مردان و شهروندان می‌باشد (افتخاری، ۱۳۷۸: ص ۲۷؛ ۱۳۹۱: ص ۹۱؛ ر.ک: لکزایی و نصیری، ۱۳۹۳: ص ۱۳). در چارچوب حکمت متعالیه: «مفهوم امنیت از مفاهیم سازه‌ای است ... هر مکتب و نظریه امنیتی، این سازه را با نظام فرهنگی و ارزشی خود بنا می‌کند، ما مفهوم امنیت را با بقای ابدی پیوند می‌زنیم، یعنی تقدیم ارزش‌های الهی بر ارزش‌های مادی؛ انجام اقداماتی که بقای ابدی و لقاء و رضای الهی در آن است و ترک هر کاری که خشم خدا در آن است و کسی هم در این مسیر متعرض ما نشود، چون برای انسان بقای ابدی مهم است» (لکزایی، ۱۳۹۳: ص ۱۳).

دکتر لکزایی در پاسخ به سؤال «فلسفه امنیت در جامعه و نظام اسلامی چیست؟» معتقد است که: مهم‌ترین هدف نظام سیاسی اسلام که در جهت تحقق آن حرکت می‌کند، تکامل انسان و سیر الی‌الله است: «إِنَّا لِلَّهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ». سایر اهداف از قبیل حاکمیت دین و قوانین الهی بر اجتماع، اجرای مقررات شریعت، استقرار و تحقق امنیت فردی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی، ملی، عبادت پروردگار و نفی شرک و جهالت و هواهای نفسانی و خدمت به هم‌نوعان، همه کمک‌کننده به آن هدف مهم است (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۵: ص ۳۳). مکاتب امنیتی، یا معنوی و اخروی (امنیت متعالیه)، یا مادی و دنیوی (امنیت متدانیه) است. امنیت متدانیه مقدمه‌ای بر امنیت متعالیه است، یعنی ارزش‌های مادی (دنیوی) مقدمه‌ای بر ارزش‌های معنوی (اخروی) و الهی است و امنیت متعالیه، جامع ارزش‌های مادی و الهی است (ر.ک: لکزایی، ۱۳۹۳: ص ۷-۲۸).

با توجه به سیره حضرت علی (ع)، دیدگاه امنیتی ایشان مبتنی بر امنیت متعالیه است. پس، ضرورت دارد حکومتی باشد که کارویژه امنیت را به نحو متعالی برای شهروندان تأمین نماید تا در سایه آن ضمن امنیت دنیوی، یعنی بقاء و حیات خود در کمال آرامش و آسایش در دنیا، به تکامل، امنیت اخروی و سعادت ابدی نائل گردند. حضرت علی (ع) در خصوص امنیت می‌فرماید: «رفاهیه العیش فی الامن» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق: ص ۳۸۹). خوشی و آسایش زندگی در امنیت است. «رفاهیت زندگانی در امنیت است. غرض، بیان واقع است و اینکه قدر این نعمت را باید دانست و شکر آن را باید کرد» (آقاجمال خوانساری، ۱۳۶۶: ج ۴، ص ۱۰۱). امنیت با دولت رابطه تنگاتنگ داشته و هر دو لازم و ملزوم یکدیگرند؛ چون امنیت بدون دولت فراهم نمی‌شود و دولت بدون تأمین امنیت، مشروعیت سیاسی و ثبات نداشته و مضمحل می‌گردد. لذا،

حضرت علی (ع) برای روشن نمودن این امر مهم می‌فرماید: «وَإِنَّهُ لَأَبَدٌ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يَعْمَلُ فِي إِمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ وَيَسْتَمْتِعُ فِيهَا الْكَافِرُ وَيُبْلَغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ وَيُجْمَعُ بِهِ الْفِيءُ وَيُقَاتَلُ بِهِ الْعَدُوُّ وَتَأْمَنُ بِهِ السُّبُلُ وَ يُؤْخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِي حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرٌّ وَ مِنْ فَاجِرٍ» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق: ص ۸۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۳، ص ۳۵۸)؛ «حالی که مردم را حاکمی باید نیکوکردار یا تبهکار، تا در حکومت او مرد باایمان کار خویش کند، و کافر بهره خود برد، تا آنگاه که وعده حق سر رسد و مدت هر دو در رسد. در سایه حکومت او مال دیوانی را فراهم آورند و با دشمنان پیکار کنند و راه‌ها را ایمن سازند؛ به نیروی او حق ناتوان را از توانا بستانند، تا نیکوکردار روز به آسودگی به شب رساند، و از گزند تبهکار در امان ماند». طبق فرمایش امام علی (ع)، وجود حکومت برای انجام وظایف کشور و تأمین امنیت جامعه، ضروری است. پس، ملاحظه می‌گردد که کارویژه امنیت نیاز ضروری شهروندان جامعه بوده و یکی از کارویژه‌های اساسی حکومت می‌باشد؛ به عبارتی دولت باید وظایف خود در قبال شهروندان را در تمام عرصه‌های حکومتی و مدیریتی از جمله: اقتصاد و دارایی، عمران و آبادانی، تعلیم و تربیت، فرهنگ، سیاست، قضاء و محافظت از جان و مال و دارایی مردم از تهدیدات داخلی و خارجی و نهادینه کردن امنیت اجتماعی و...، به نحو مطلوب ایفاء نماید. این کارویژه باید به‌گونه‌ای امنیت را برای شهروندان تأمین نماید که آنان احساس امنیت بکنند.

احساس امنیت از نیازهای ذاتی و فطری انسان می‌باشد که از نظر اسلام نیز ضروری تلقی شده و برای ارتقاء تکامل بشری جهت تقرب الهی لازم و اجتناب‌ناپذیر است. حضرت علی (ع) کارویژه امنیت را از اهداف ذاتی و مأموریت‌های اساسی نظام دانسته و می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ ... وَ نَظَهَرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنُ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق: ص ۱۸۹)، «خدایا! تو خود می‌دانی که هدف ما (از آنچه کردیم)، به خاطر رغبت در قدرت نبود، ... بلکه می‌خواستیم در شهرهایت، اصلاحات را ظاهر گردانیم، تا بندگان ستم‌دیده‌ات را ایمنی فراهم آید. همچنین حضرت (ع) در منشور حکومتی خود، از آن به عنوان یکی از آرمان‌های نظام یاد کرده و تأکید می‌فرماید که: «جِبَايَةَ خَرَاجِهَا وَ جِهَادَ عَدُوِّهَا وَ اسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا وَ عِمَارَةَ بِلَادِهَا» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق: ص ۴۲۷). در این دستورالعمل اموری چون نظم و انتظام اقتصادی و نظامی، و رشد و اصلاح و تربیت و ارتقاء شهروندان، و عمران و آبادانی کشور و تأمین رفاه عمومی جامعه مطرح می‌گردد. چون وقتی کشوری از نظر اقتصادی رو به‌رشد و نیز از تهدیدات داخلی و خارجی در امنیت باشد، ضمن اینکه مردم جامعه در رفاه عمومی و امنیت خواهند بود، با مدیریت درست، آموزش و تربیت، و آگاهی‌های لازم، استعداد‌های نهفته آنان شکوفا شده و گام در رشد و توسعه انسانی نهاده، ضمن تکامل، تقرب الهی می‌یابند. این، همان امنیت متعالیه و تحقق

آرمان حکومت علوی است.

۲-۱. ابعاد کارویژه امنیت نظام سیاسی

نظام سیاسی برای اجرای این کارویژه، باید امنیت همه‌جانبه را با در نظر گرفتن عدالت در ابعاد مختلف حکومتی و مدیریتی از جمله: امنیت اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، قضائی و ... تأمین نماید.

۲-۱-۱. امنیت اقتصادی

این امنیت مبین وضعیت باثبات تولید، توزیع و مصرف ثروت در جامعه می‌باشد (بوزان، ۱۳۷۸: ص ۳۷۲؛ لک‌زایی و همکاران، ۱۳۹۵: ص ۵۱). نظام سیاسی باید بستر زمینه‌سازی آموزش، سلامت و بهداشت و درمان، تأمین اجتماعی، مسکن، اشتغال افراد جامعه را برای رساندن به وضعیت مطلوب و امنیت کامل فراهم نماید.

امام (ع) برای استقرار امنیت اقتصادی اقشار جامعه، به کارگزاران مأمور اخذ خراج (مالیات) می‌فرماید: «در ارتباط با مردم از جانب خود انصاف داشته باشید، و در برآوردن حاجت‌های آنان شکیبایی ورزید، چون‌که شما خزانه‌داران و وکیلان مردم، و سفیران پیشوایان هستید. مبدا حاجت کسی را برنیورده، و وابگذارید، و از خواسته‌های مطلوبش بازدارید، و برای گرفتن خراج، پوشش زمستانی و تابستانی را مفروشید و چارپایی که بدان کار می‌کنند، و برده‌ای که در اختیار دارند. و کسی را برای گرفتن درهمی تازیانه مزیند و به مال کسی که نمازگزار باشد، یا پیمان مسلمانان را عهده‌دار، دست‌اندازی نکنید. جز اسب یا اسلحه‌ای که در جنگ با مسلمانان به کار می‌رود» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق: ص ۴۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۳، ص ۴۷۱). راهکارهای تأمین امنیت اقتصادی براساس سیره حضرت علی (ع) عبارتند از: تأمین اجتماعی، عدالت اقتصادی، نظارت، مالیات، عمران و آبادانی، کشاورزی.

۲-۱-۲. امنیت فرهنگی

امنیت فرهنگی وضعیتی است که در آن بینش و جهان‌بینی، ارزش‌ها و گرایش‌ها و در نهایت آداب و رسوم جامعه مورد تهدید و آسیب قرار نگیرد و دست‌خوش تغییر و تحوّل نگردد (همتیان، ۱۳۹۲: ص ۶۰). نظام سیاسی کارآمد، باید مدیریت فرهنگی مدبرانه و مقتدرانه داشته‌باشد، تا با ابتکار در برنامه‌ریزی استراتژیک (راهبردی)، و عملیاتی (اجرایی) و تخصصی آموزشی، و نظارت و ارزیابی بر عملکرد آنان، ضمن پاسداشت و حفظ فرهنگ جامعه، امنیت فرهنگی مطلوب را برای شهروندان فراهم نماید. حضرت علی (ع) همواره بر پویایی فرهنگ اسلامی تأکید داشته و زحمات فراوانی را متقبل شدند. چون معتقد بودند که دگرگونی و

نابسامانی بینش‌ها، ارزش‌ها، گرایش‌ها و هنجارهای جامعه، آسیب‌های جدی وارد شده و امنیت جامعه مختل می‌گردد. با توجه به اینکه فرهنگ عمومی پس از پیامبر اکرم (ص) دچار آسیب‌های جدی شده و جامعه را متزلزل کرده بود. لذا، حضرت علی (ع) به محض اینکه حکومت را به دست گرفتند، تلاش وافری در سامان‌دهی فرهنگ عمومی نمودند، و در جهت اصلاحات فرهنگی، درست همان مسیری را برگزیدند که پیامبر اسلام (ص) رفته بودند، چنانچه در این رابطه می‌فرمایند: «گواهی می‌دهم که جز خدای یکتا، خدایی نیست، و محمد بنده او، و فرستاده اوست، و منتخب و گزیده او. هیچ آفریده‌ای را در فضیلت به پای او نتوان آورد، و فقدان او را جبران نتوان کرد. شهرها به نور هدایت او روشن گشت، از آن پس که در گمراهی تیره بود، و نادانی بر همه جا چیره؛ و درشت‌خویی و ستمکاری را همگان پذیره. مردم حرام را حلال می‌شمردند، و حکیم را خوار می‌گرفتند. می‌زیستند، بی‌داشتن پیامبران؛ می‌مردند، خدا ناشناس و بی‌ایمان» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق: ص ۲۱۰-۲۱۱). حضرت علی (ع) برای بازسازی و امنیت فرهنگی، اقدامات اساسی مبذول فرمودند که عبارتند از: آموزش و پرورش همگانی، آگاهی‌یابی و گردش آزاد اطلاعات، پاسداشت سنت‌ها و آیین‌های درست و نفی سنت‌ها و آئین‌های نادرست، خرافات‌زدایی، زدودن فرهنگ چالپوسی و ستایش‌گری و ترویج فرهنگ انتقاد و خیرخواهی، نفی فرهنگ ریاکاری و فریب‌کاری و تثبیت فرهنگ راستی و درستی، نفی شخصیت‌زدگی و ترویج حق‌معیاری، و ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر.

۲-۱-۳. امنیت سیاسی

یکی از مهم‌ترین ابعاد کارویژه امنیت، امنیت سیاسی است. نظام سیاسی برای اجرای کارویژه خود، باید امنیت سیاسی شهروندان را با رعایت حق آزادی سیاسی که حق ذاتی آنان است، در امور مدیریتی و حکومتی کشور در کلیه عرصه‌ها تأمین نماید. در صورت فقدان آن، در کشور اختناق حاکم بوده و شهروندان مانند یک زندانی، در حبس خواهند بود. «امنیت سیاسی به معنای تأمین آرامش و طمأنینه لازم توسط حاکمیت یک کشور برای شهروندان قلمروخویش از راه مقابله با تهدیدات مختلف خارجی و همچنین تضمین حقوق سیاسی آن‌ها در مشارکت جهت تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی آن‌ها است. نظام سیاسی در راستای امکان‌بخشی و تسهیل مشارکت و دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود و جامعه، باید امنیت و حضور آزادانه و برابر آن‌ها را فراهم آورد و هیچ‌کس را به داشتن باور سیاسی خاصی وادار نکند. در واقع امنیت سیاسی به معنای وجود دستگاهی سیاسی است که در آن مردم آزادانه و بدون ترس و وحشت بتوانند مواضع سیاسی و باورهای خود را هرچند مخالف حکومت باشد، در چارچوب قوانین موجود بیان کند و کسی حق تعرض به

دیگران را به دلیل ابراز عقیده سیاسی نداشته باشد» (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ص ۲۵؛ عراقی نظری و همکاران، ۱۳۹۶: ص ۷۰-۷۱). حضرت علی (ع) در حکومت خود به امنیت سیاسی توجه ویژه‌ای داشته و بر این اعتقاد بودند که تمام شهروندان (مسلمان و غیرمسلمان) در حقوق سیاسی یکسان بوده و نباید تفاوتی داشته باشند. حکومت باید برای آنان حق آزادی بیان، ابراز عقیده و نظر، انتقاد و اعتراضات سیاسی را محفوظ بدارد و خود نیز تمام اطلاعات و جریان‌های حکومتی را به صورت گفتاری، نوشتاری و... جهت آگاهی مردم بازگو نماید. جریان آزاد اطلاعات سبب شفافیت امور و آگاهی مردم از نحوه و نتیجه عملکرد مسئولان شده و بستر اظهارنظر و نقد و انتقاد آنان، فراهم می‌گردد. این امر ضمن مشارکت مردم در مدیریت حکومت، در امنیت سیاسی و در بهبود مدیریت کشور، فوق‌العاده حائز اهمیت است. حضرت علی (ع) برای فضا سازی جامعه جهت آزادی سیاسی مردم می‌فرمایند: «پس با من آن‌سان که با سرکشان زورگو سخن می‌گویند، سخن مگویند، و آن محافظه‌کاری‌هایی را که با تندخویان و مستبدان روا می‌دارند، با من روا مدارید، و با ظاهرآرایی، با من آمیزش مکنید» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق: ص ۳۳۵). آن حضرت با این بیانات، فضا را برای مردم فراهم می‌نمایند که در حکومت ایشان، استبداد راهی ندارد و مردم در بیان و ابراز عقاید، نقد و انتقاد راحت باشند، و هر آنچه که می‌خواهند، اظهار نمایند، و مستوجب هیچ مجازاتی نخواهند بود. نکته قابل توجه این است که امنیت سیاسی در حکومت‌های خودکامه و مستبد، یا وجود ندارد، یا اینکه آزادی سیاسی و امنیت، حداقلی و متدانیه است و پیامد آن هرج و مرج و ناامنی و ظلم در جامعه، به‌ویژه ناامنی سیاسی شهروندان است. درست برعکس آن نیز صادق است. امنیت سیاسی در حکومت‌های مردم‌سالار و دموکراسی، که مردم در اولویت قرار دارند، آزادی و امنیت متعالیه است، یعنی امنیت حداکثری برای شهروندان وجود داشته و هیچ‌گونه ناامنی و هرج و مرج و ظلمی در آن جامعه وجود ندارد و شهروندان با کرامت انسانی در مدیریت کشور سهیم و مشارکت دارند.

۲-۱-۴. امنیت قضائی

امنیت قضائی از مهم‌ترین ابعاد امنیتی است که حکومت‌ها باید به آن توجه ویژه داشته باشند. حکومت در این بُعد با مدیریت حقوقی و قضاوت، باید از اموال و دارائی‌های افراد، نوامیس، حریم‌ها و حرمت‌های آنان در جامعه محافظت و از هرگونه هرج و مرج و آسیب و نابسامانی جلوگیری نماید. حضرت علی (ع) در عهدنامه محمدبن‌ابی‌بکر چنین می‌فرمایند: «و او را فرمان داده است که در میان مردمان به حق [عدالت] داوری کند، و عدالت را برقرار دارد، و از هوای نفس پیروی نکند، و در کار خداپسندانه از سرزنش هیچ

ملامت‌گری نهراسد، که بی‌گمان خداوند با کسی است که پروای الهی پیشه کند، و فرمانبرداری از او و امرش را مقدم بر دیگران دارد» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق: ج ۶، ص ۶۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۳، ص ۵۴۰). نظام سیاسی برای تأمین امنیت قضائی کارآمد، براساس سیره حضرت علی(ع)، باید شاخص‌ها و راهکارهایی اعمال نماید که عبارتند از: گزینش نخبگان برای قضاوت، تأمین مالی قاضیان، امنیت شغلی قاضیان، پاسداشت آداب قضاوت، وحدت رویه قضائی، مراقبت از قاضیان و قضاوت آنان، عزل قاضیان متخلف از رعایت آداب قضاوت، پاسداشت اصول دادرسی کیفری، رعایت احتیاط در مجازات، حق اعتراض به رأی قاضی (حق تجدیدنظرخواهی در حکم).

۲-۱-۵. جمع‌بندی

نظام سیاسی زمانی کارآمد است که بتواند امنیت را در تمام عرصه‌های حکومتی و مدیریتی مذکور تأمین نماید؛ زیرا هدف نظام سیاسی از این امر مهم، باید ارتقاء و رشد مادی و معنوی شهروندان و سعادت دنیوی و اخروی آنان، و اصلاح امور کشور باشد. بنابراین، دولت موظف است با اعمال این کارویژه در تمام عرصه‌های حکومتی به‌نحو مطلوب، موجبات سلامت، سعادت، رفاه، آرامش، رشد و توسعه همه‌جانبه و رضایت و خشنودی شهروندان را فراهم نماید. چنین امنیتی همان امنیت متعالیه است که ضمن امنیت دنیوی، به امنیت اخروی شهروندان نیز توجه می‌گردد.

۳. آزادی سیاسی

مهم‌ترین شاخص امنیت سیاسی، آزادی سیاسی است. اصل آزادی سیاسی یک پدیده بشری است و اختصاص به زمان، مکان، ملت، فرهنگ و مکتب ویژه‌ای ندارد. بن‌مایه و محتوای عناصر مکنون آزادی سیاسی همیشه ثابت و مطلوب مردم است، و تنها شکل، دامنه، نمود و سازوکارهای تحقق آن به‌تناسب اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی و امکانات و پیشرفت‌های علمی و فرهنگی ملل، متغیر بوده است. «آزادی سیاسی، ارزشی است که با وجود آن انسان در عرصه سیاسی- اجتماعی می‌تواند دست به انتخاب زند. در آزادی سه عنصر و مقوله وجود دارد: «آزادی‌خواه»، «نبود مانع» و «هدف». آزادی سیاسی زمانی شکل می‌گیرد که اشخاص و تشکّل‌های سیاسی در انجام دادن رفتارهای سیاسی مطلوب و برخورداری از حقوق اساسی، از محدودیت‌ها و موانعی که دولت‌ها ممکن است در برابر آن‌ها ایجاد کنند، رها و آزاد باشند» (میراحمدی، ۱۳۸۱: ص ۱۰۸؛ ر.ک: سیدباقری و ملاشفیعی، ۱۳۹۶: ص ۱۱).

در منظومه فکری حضرت علی(ع)، آزادی سیاسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به عنوان نمونه

«حارث بن کعب آزادی» از پدرش روایت کرده است که چون محمد بن ابی بکر به عنوان استاندار مصر مشغول به کار شد، در نامه‌ای از حضرت علی (ع) مطالبی را سوال کرد. از جمله درباره زنداقه پرسید که در میان آنان قومی بودند که ماه و آفتاب را می‌پرستیدند و قومی که چیزهای دیگر را می‌پرستیدند. امام (ع) درباره ایشان فرمودند: «وَيُتْرَكُ سَائِرُهُمْ يَعْبُدُونَ مَا شَاءُوا» (ثقفی، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ص ۱۴۶، ۲۴۱). آنان را رها کن تا هر چه می‌خواهند، بپرستند. سیره آن حضرت مبتنی بر این بود که هر فرد جامعه، در مقام فکر و اندیشه، بیان، نقد و انتقاد، و نیز در عمل، مادامی که به مصالح و منافع جامعه آسیب نرساند، بایستی استقلال و آزادی داشته باشد. این مطلب به معنای پاسداشت آزادی سیاسی است.

۳-۱. شاخص‌های آزادی سیاسی

آزادی سیاسی را براساس شاخص‌هایی می‌توان به ترتیب ذیل تقسیم و تبیین نمود، که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۳-۱-۱. آزادی اندیشه و تفکر

آزادی اندیشه حق ذاتی و طبیعی انسان است، منظومه فکری هر کس خاص خودش بوده و هیچ‌کس نمی‌تواند آن را تحت قدرت و مالکیت خود درآورده و بر آن سیطره یابد، در غیر این صورت، منجر به پدیده اختناق فکری می‌گردد.

یکی از امتیازات انسان، قدرت تفکر و اندیشه است و در جهان‌بینی اسلامی از چنان اهمیتی برخوردار است که امیرمؤمنان (ع) آن را در زمره عبادت و برتر از آن تلقی کرده و می‌فرماید: «لَا عِبَادَةَ كَالْتَّفَكُّرِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ص ۷۵۷، ح ۱۳؛ حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۸۸)، «هیچ عبادتی همچون تفکر و اندیشیدن نیست». در سایه اندیشیدن عمیق و تفکر سازنده است که بستر رشد و شکوفایی انسان هموار شده و می‌تواند در عرصه‌های مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی، و سیاسی جامعه، نقش سازنده‌ای داشته، و در تأمین امنیت و رفاه و تعالی خود و جامعه گام‌های مؤثری بردارد. همچنین می‌فرماید: «الْفِكْرُ مِرْآةٌ صَافِيَةٌ» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق: ص ۵۳۹). «اندیشه، آئینه پاکی است». مرحوم خوئی شارح نهج البلاغه، در تبیین فکر و اندیشه، در شرح خود چنین آورده است: اندیشه، حرکت قوه عقل جهت درک حقایق است، و این حرکت از مبادی تا مقاصد و بالعکس، جریان دارد. پس، حرکت اولی به منزله مواجهه آینه با اشیاء، برای انعکاس در آن است، و حرکت دوم، به منزله انعکاس اشیاء در آن است تا یقین و اعتقاد حاصل شود، و هنگامی که فکر و اندیشه از هر وهمی خالی باشد، تخیل در آن راه نمی‌یابد، جز حقیقت. در این صورت

اشیاء را همان‌گونه که در واقع است، در آن مشاهده می‌کنی (هاشمی‌خوئی، ۱۴۰۰ق: ج ۲۱، ص ۴۴۶). امام علی (ع) پیوسته بر آزادی اندیشه در حکومت خود تأکید داشته، و آن را بنیان اخلاق عمومی و خصوصی می‌دانستند. در تمام عرصه‌های حکومتی، بستر آزادی اندیشه را بر مردم گشوده، تا آگاهانه و اندیشمندانه، تصمیمات خود را به‌منصه ظهور برسانند. نظام‌های سیاسی با اقتباس از سیره عملی آن حضرت، باید به شهروندان اجازه دهند تا آزادانه بیان‌نویسند و در مسائل مدیریتی، تفکر و تعمق داشته باشند و با تشکیل اتاق فکر (اندیشه‌سازی)، بتوانند پیشنهادات خود را برای اصلاحات امور حکومتی اعلام کنند. در این صورت است که بستر رشد و شکوفایی فکری شهروندان فراهم شده و در مسائل سیاسی کشور می‌توانند دخالت کرده و با مشاوره لازم، دولت را یاری رسانند. به این ترتیب، امنیت، به‌ویژه امنیت سیاسی، در سایر جنبه‌ها نیز محقق می‌شود.

۳-۱-۲. آزادی عقیده

یکی دیگر از شاخص‌های امنیت سیاسی، آزادی عقیده می‌باشد که دولت وظیفه دارد در قبال شهروندان، این حق را رعایت نماید. شهروندان یک کشور حق دارند تا خود اعتقادات خویش را برگزیده، و سرنوشت خود را رقم بزنند. دولت نباید هیچ‌گونه اجباری در انتخاب آزادانه، بر عقیده آنان تحمیل نماید. چراکه این نوع تحمیل و اجبار بر شهروندان، موجب نارضایتی آنان شده و در امنیت سیاسی کشور تأثیرگذار می‌باشد. پس، دولت باید به حق قانونی شهروندان، در آزادی عقیده احترام گذاشته و در پاسداشت آن بکوشد. از منظر اسلام، هر فردی آزاد است تا دین خود را آگاهانه و آزادانه انتخاب کند، چنانچه در قرآن کریم آمده است: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره: ۲۵۶)، «در دین هیچ اکراه و اجباری نیست [کسی حق ندارد کسی را از روی اجبار، وادار به پذیرفتن دین کند، بلکه هر کسی باید آزادانه، با به‌کارگیری عقل و با تکیه بر مطالعه و تحقیق، دین را بپذیرد]». حضرت علی (ع) در دوران حکومت خود، همواره بر آزادی عقیده شهروندان احترام قائل بوده و بر پاسداشت آن تأکید داشتند، چنانکه در منشور حکومتی و مدیریتی خویش، به مالک اشتر فرمودند: «وَأَشْعُرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ ... أَنْ يُعْطِيكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَ صَفْحِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۳، ص ۶۰۰؛ شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق: ص ۴۲۷-۴۲۸). قلبت را از رحمت به‌مردمان، و دوستی ایشان، و لطف به آنان، لبریز ساز. و مبدا نسبت به مردمان چون جانوری درنده‌خو باشی که خوردنشان را غنیمت بشماری. همانا مردمان دو گروه‌اند: یا برادر دینی تواند (مسلمان‌اند) و یا همانند تو در آفرینش‌اند (انسان‌اند). مردمان چنین‌اند که لغزش‌هایی از ایشان سر می‌زند، یا گرفتار نادرستی‌هایی می‌شوند، و دانسته یا ندانسته کارهایی می‌کنند [که تو را خوش نمی‌آید]. پس، چنان با بخشش و گذشت با آنان رفتار کن، که دوست داری خداوند با بخشش و

گذشت خود، با تو رفتار کند. مولای متقیان (ع) نه تنها به مسلمانان، بلکه به غیرمسلمانان با هر عقیده‌ای، حرمت نهاده و با رحمت و دوستی و لطف با آنان، رفتار می‌کردند، و در لغزش‌ها و نادرستی‌های شهروندان، بخشش و گذشت پیشه می‌نمودند. از جمله، هنگامی که «جاریه بن‌قدامه» را برای دفع گروه غارت‌گر «بُسرین‌ابی‌ارطاة» روانه می‌کردند، به وی فرمودند: «وَلَا تَحْتَقِرْ مُسْلِمًا وَلَا مُعَاهِدًا» (ثقفی، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۴۲۸؛ قمی، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ص ۵۸۱؛ شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق: ص ۴۳۹). «و مبادا که مسلمان یا غیرمسلمان هم‌پیمانی را خوار بداری».

با توجه به موارد مذکور، در سیره حضرت علی (ع)، حق آزادی عقیده به تمام معنا پاس‌داشته شده و به هیچ‌وجه، تجاوزی بدین حریم صورت نگرفته است. بنابراین، نظام‌های سیاسی باید با تأسی به سیره آن حضرت، با پاسداشت حق آزادی عقیده شهروندان، از اعمال هرگونه تجاوز و تعدی به اعتقادات آنان، خودداری کرده و به عقاید آنان احترام بگذارند. چون اقتدار و مشروعیت حکومت‌ها توسط مردم ایجاد می‌شود. لذا حکومت‌ها بایستی این وظیفه مهم را به‌خوبی ایفا کرده، و رضایت مردم را فراهم نمایند. در سایه رضایت و خشنودی آنان است که امنیت سیاسی جامعه تضمین شده و در سایه این تضمین هم، نظام سیاسی مقبولیت مردمی و مشروعیت سیاسی یافته و پایدار و استوار می‌گردد.

۳-۱-۳. آزادی بیان و قلم (مطبوعات)، و نقد و انتقاد و اعتراض

یکی دیگر از شاخص‌های آزادی سیاسی، آزادی بیان و قلم است، که اهل فن و تخصص و قلم باید از آن برخوردار باشند تا بتوانند مطالب، نظرات و ایده‌های خود را آزادانه ارائه بدهند. «منظور از آزادی بیان این است که هر شهروندی، صرف‌نظر از مقام و قدرت سیاسی یا اقتصادی خود، هر آنچه را می‌اندیشد، بدون ترس و واهمه از عکس‌العمل‌های نامطلوب یا خشونت‌بار توسط نهادهای رسمی و غیررسمی دولتی و گروه‌های فشار مورد حمایت آن‌ها یا مستقل از آن‌ها، بتواند ابراز دارد، بنویسد یا بگوید» (محسنی، ۱۳۸۲: ص ۳۴). مردم براساس ضوابط و معیارهای قانونی می‌توانند در امور مختلف حکومتی مشارکت کرده و اظهار نظر نمایند. به‌ویژه افرادی که از سطح آگاهی و تخصص بالایی برخوردارند، می‌توانند احساس مسئولیت کرده و در امور سیاسی کشور همفکری نموده و از طریق قلم و نگارش در این امور، رسالت خود را به اثبات برسانند.

با توجه به اینکه نشریات و مطبوعات، وظیفه آگاهی‌رسانی به عموم جامعه را برعهده داشته و مردم از طریق آنان از اخبار سیاسی، مبنی بر نحوه مدیریت و عملکرد دولت‌مردان در امور دولتی، و اخبار جامعه و جهان مطلع می‌گردند، لذا این رویکرد ضمن آگاهی‌دادن، در ارتقاء بینش سیاسی و اجتماعی مردم نیز نقش بسزایی خواهد داشت. بنابراین، دولت این وظیفه را باید به‌خوبی اجرا نماید و به آنان آزادی بر مبنای معیارهای

قانونی را اعطاء کرده و تحت هیچ شرایطی از فعالیت آنان جلوگیری نکند؛ حتی اگر اطلاع‌رسانی آن‌ها بر مواردی باشد که دولت را خوش نیاید. مگر مواردی که به ضرر و آسیب مردم باشد، در این صورت دولت می‌تواند، به آن‌ها گوشزد نماید. امیربیان(ع) در این خصوص به مالک اشتر می‌فرماید: «ثُمَّ لِيَكُنْ أَثَرُهُمْ عِنْدَكَ أَقْوَلُهُمْ بِمُرْأَلْحَقِّ لَكَ ... وَإِقَاعاً ذَلِكَ مِنْ هَوَاكَ حَيْثُ وَقَعَ» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق: ص ۴۳۰). «آنگاه باید گزیده‌تر آنان، نزد تو کسی باشد که سخن تلخ حق را به تو بیشتر گوید، ... [این شیوه گفتار و رفتار او] به هر کجای خواست تو می‌خواهد بربخورد». آن حضرت با روشنگری می‌فرماید که فرد مطلوب کسی نیست که بله قربان‌گو، مطیع و سازش‌کار باشد، بلکه اشخاص رک‌گو، مستقل و راست‌کردار که به تصمیم‌های اشتباه و اقدامات نادرست و خلاف مصالح اجتماعی و سازمانی حکومت تن نمی‌دهند، مطلوب‌ترین افراد هستند. چنین کسانی خیرخواهان مردم و حکومت‌اند.

در یک نظام سیاسی، برای اینکه جامعه به رشد و بالندگی برسد، باید دولت این بستر را برای افراد جامعه مهیاء نماید تا بتوانند آزادی بیان و قلم داشته باشند، افراد در خصوص عملکرد حکومت، نقد و انتقاد، و اعتراض کنند، روزنامه‌ها و مجلات، آزادانه اخبار سیاسی را به نحو درست به جامعه برسانند. البته ضروری است که دولت شفاف‌سازی کرده و عملکردها را به اطلاع عموم برساند، نه اینکه در جامعه اختناق ایجاد بکند و هرکسی هم بخواهد اطلاع‌رسانی کند و اخبار را به صورت درست (نه شایعه‌پراکنی)، در اختیار عموم مردم قرار دهد، مورد توبیخ حکومت قرار گرفته و بازداشت یا زندانی شود. در چنین جامعه‌ای، جلوی رشد و تکامل افراد جامعه گرفته شده و به‌جای توسعه، عقب‌زده می‌شوند. حکومت به‌جای اختناق، باید آگاهی سیاسی شهروندان را بالا برده و از آنان درخواست ارائه پیشنهادات سازنده، جهت بهبود کیفیت کارویژه‌های خود را داشته باشد.

بنابراین، نظام سیاسی، با اقتباس از سیره حضرت علی(ع)، برای تأمین امنیت سیاسی، باید به مقوله آزادی نقد و انتقاد، و اعتراض شهروندان توجه ویژه‌ای داشته و ضمن اینکه کارکردها و عملکردهای مدیران و مسئولان، حتی رهبر نظام را به‌طور مرتب برای آنان گزارش داده و شفاف‌سازی نماید، بلکه حتی آنان را تشویق به مشارکت در نقد و انتقاد و اعتراض نموده و پیشنهادات آنان را با جان و دل پذیرفته و مراتب قدردانی را از آنان به‌جا بیاورد. در این صورت وجود آزادی سیاسی عموم مردم، نشانگر وجود امنیت سیاسی جامعه و اجرای کارویژه امنیت نظام سیاسی، به‌نحو مطلوب می‌باشد.

۳-۱-۴. آزادی مشارکت عمومی در انتخابات

یکی دیگر از وظایف دولت برای تحقق امنیت سیاسی، فراهم‌سازی بستر مشارکت عمومی مردم در امور سیاسی - اجتماعی دولت است. نقش مردم در حکومت، با الگوپذیری از منشور حکومتی حضرت علی(ع)

بایستی به گونه‌ای قانون‌مند، نهادینه گردد. در واقع نقش اصلی مردم در امور سیاسی حکومتی، در تعیین سرنوشت خودشان، همان «مشارکت عمومی» است. بنابراین، دولت باید تمهیدات لازم را فراهم آورد، تا تمام تصمیمات حکومتی، با خواست و اراده مردم (آراء عمومی) شکل بگیرد. «مشارکت عمومی»، یعنی اتکاء حکومت به آراء عمومی مردم، از راه انتخابات؛ چون انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظائر اینها؛ و نیز مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، و در مسایل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد. بنابراین، مردم در عرصه‌های سیاسی کشور خود، اعم از انتخاب رهبر سیاسی، رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس قانون‌گذاری و...، باید شرکت عمومی داشته و در تصمیم‌گیری‌های دولت مشارکت داشته باشند. البته منوط بر اینکه حکومت خودکامگی و استبداد نوزد، که در این صورت مردم هیچ‌گونه وظیفه‌ای نداشته و حتی می‌توانند به نشانه مخالفت با رژیم، انتخابات را تحریم، و در صحنه حضور نداشته باشند. چون ملاک شرکت مردم در انتخابات، همسو بودن و وحدت حکومت و مردم در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی است و هدف، نمود چهره عمومی حکومت و دستیابی به منافع عمومی مردم می‌باشد، که اگر این هدف زیرپا گذاشته شده و در اختیار عده قلیلی با منافع ویژه خود (چهره خصوصی) قرار بگیرد، دیگر شهروندان هیچ‌گونه مسئولیتی نداشته و با حکومت همکاری و هم‌گامی نخواهند داشت، در این صورت است که کارویژه امنیت حکومت خدشه‌دار شده و با فقدان آزادی سیاسی و به تبع آن، عدم تحقق امنیت، مشروعیت سیاسی آن نیز از بین می‌رود.

حکومتی که مشروعیت و مقبولیت مردمی نداشته باشد، حکومت مستبد و خودکامه و تمامیت‌خواه برای منافع خود می‌باشد. چنین حکومتی دیوارهای لرزان خود را به زور نگه داشته و عاقبت سقوط می‌نماید. حضرت علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «فَلَا تُكَلِّمُونِي بِمَا تُكَلِّمُونِي بِهِ الْجَبَّارَةُ... وَلَا آمَنْ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِي إِلَّا أَنْ يَكْفِي اللَّهَ مِنْ نَفْسِي مَا هُوَ أَمْلَكُ بِهِ مِنِّي» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق: ص ۳۳۵). پس، با من چنانکه با سرکشان گویند، سخن مگویند و چونان که با تیزخویان کنند، از من کناره مجویند، و با ظاهرآرایی، آمیزش مدارید و شنیدن حق را بر من، سنگین مپندارید، و نخواهم مرا بزرگ انگارید، چه آن‌کس که شنیدن سخن حق بر او گران افتد و نمودن عدالت بر وی دشوار بود، کار به حق و عدالت کردن بر او دشوارتر است. پس، از گفتن حق، یا رأی زدن در عدالت بازمایستید، که من نه برتر از آنم که خطا کنم، و نه در کار خویش از خطا ایمنم، مگر که خدا مرا در کار نفس کفایت کند که از من بر آن توانا تر است. آن حضرت در این بیانات شریف، حکومت را به نفی خودکامگی و استبداد، آگاه کرده و خواهان یکپارچگی دولت و مردم می‌باشند و راه

مشارکت و مشاورت و رأی زنی را برای مردم باز و روشن‌گری می‌نمایند که امکان اشتباه برای حکومت هم وجود دارد و نباید بر آن پافشاری نماید. در اینجاست که مشارکت مردم در راهنمایی و اثرگذاری بر حکومت و عملکرد آن، می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد. بنابراین، حکومت کارویژه امنیت را با در نظر گرفتن منافع و مصالح عمومی، زمانی می‌تواند به‌نحو مطلوب انجام دهد که به مردم آزادی مشارکت سیاسی در برنامه‌های حکومتی و مدیریتی خود بدهد، یعنی مردم احساس امنیت سیاسی نموده، و با رضایت و خشنودی از کارکرد دولت، از آن حمایت و پشتیبانی کرده و به آن مشروعیت بخشند.

۴. نقش آزادی سیاسی در کارویژه امنیت

آزادی سیاسی زمانی در کارویژه امنیت تأثیرگذار است که نظام سیاسی، این آزادی را برای شهروندان خود در نظر داشته و آنان را در عرصه‌های حکومتی و مدیریتی مشارکت داده و از افراد صاحب اندیشه و تفکر، متخصص و خبیره، در برنامه‌ریزی‌های مدیریتی و اجرایی استفاده نموده و آنان را صاحب‌اختیار کشور بداند، به‌طوری که رأی آنان را در انتخابات رهبری، ریاست جمهوری، نمایندگان مجلس، شورا و غیره نافذ دانسته و در نظارت بر کار آنان و در صورت ضرورت و نیاز به اصلاحات، نقد و انتقاد و اعتراض، آنان را در برنامه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، قضائی، پذیرش کرده و در مواقع لازم، از آنان استقبال، تکریم و قدردانی نماید. این رویکرد نشانگر اتحاد و یکپارچگی نظام با شهروندانش می‌باشد. این اتحاد در سایه نظام عدالت‌پیشه، که کرامت انسان‌ها را ارج نهاده و پاس داشته، و بستر لازم برای شکوفایی و تعالی آنان را فراهم آورد، تحقق می‌یابد. زمانی که مردم توانستند در تعیین سرنوشت فردی و اجتماعی خود دخیل بوده و در برنامه‌های حکومتی و مدیریتی کشور در عرصه‌های مختلف، مشارکت و نظارت داشته باشند، اظهار نظر نمایند، در این صورت است که از آزادی و امنیت سیاسی برخوردار بوده و با احساس امنیت، ضمن رضایت و خشنودی از حکومت، از آن پشتیبانی نمایند. در سایه این مشارکت در اتاق فکر و اندیشه، بیان، نقد و انتقاد و اعتراض... حکومت می‌تواند با گزینش افراد شایسته، کاردان، و کارآمد از طریق انتخابات، با آراء همه شهروندان، برنامه‌های حکومتی و مدیریتی خود را در جهت امنیت و رفاه، با در نظر گرفتن شاخصه عدالت، به‌نحو مطلوبی عملی سازد.

بنابراین، می‌توان گفت که آزادی سیاسی، نقش بسیار مهمی در کارویژه امنیت دارد. عکس آن نیز صادق است. اگر چنانچه نظام سیاسی، آزادی سیاسی را از شهروندان خود دریغ داشته، و به‌جای اتحاد و همبستگی، آنان را کنار بزند، و نظرات، آراء و اظهارات آنان را نادیده انگارد، و اجازه هیچ‌گونه مشارکت سیاسی در برنامه‌های مختلف حکومتی و مدیریتی ندهد، و این امتیاز را تنها به گروه خاصی از یاران و بستگان خود

بدهد؛ در این صورت با کم‌رنگ شدن چهره عمومی و پدیداری چهره خصوصی، عدالت زایل و با نادیده گرفتن مردم و گرفتن آزادی سیاسی آنان، اختناق در جامعه حاکم شده و به جای عزت و احترام و کرامت شهروندان، حکومت به زور و قهر متوسل می‌گردد. در چنین رویکردی، حکومت با به‌کارگیری استبداد و خودکامگی، کارویژه امنیت را تنها برای اقلیت جامعه (خودی‌ها)، فراهم کرده و اکثریت جامعه از امنیت سیاسی و به‌طور کلی امنیت محروم می‌گردند. در این صورت است که بستر نارضایتی مردم فراهم آمده و متعاقب آن ضمن عدم پشتیبانی از نظام، مخالفت و اعتراض نموده و با این عمل پایه‌های حکومت، سست و لرزان شده و نهایتاً سقوط می‌کند. حضرت علی(ع) در پرهیز از هرگونه خودکامگی و آثار آن، در منشور حکومتی خویش می‌فرماید: «وَلَا تَقُولَنَّ إِنِّي مُؤَمَّرٌ أَمْرٌ فَأُطَاعُ ... وَ تَقَرَّبُ مِنَ الْغَيْرِ» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق: ص ۴۲۸). «و مبادا بگویی من بر آنان مسلطم، از من فرمان‌دادن و از ایشان اطاعت و فرمان‌بردن است. چراکه این کار، دل را تیره و تباه، و دین را ناتوان و فرسوده می‌سازد و دگرگونی را نزدیک می‌گرداند». استبداد و خودکامگی حکومت، یعنی خود را دیدن و نادیده گرفتن شهروندان (چهره خصوصی)، در واقع موجب حصر و فقدان آزادی آنان گردیده و نه تنها امنیت سیاسی، بلکه امنیت عمومی را نیز مختل می‌نماید.

بنابراین، می‌توان ادعان نمود که سلب آزادی سیاسی و عدالت، و متعاقب آن فقدان امنیت عمومی مردم، موجب تقابل آنان در برابر حکومت گردیده و ضمن مخالفت، و عدم همراهی، با فعالیت‌های سیاسی ضدحکومتی، بستر مشکلات متعددی را برای حکومت فراهم کرده، و مانع از اجرا و تحقق برنامه‌های حکومتی و مدیریتی می‌شوند. با این رویکرد، حکومت نیز قادر به اجرای برنامه‌های مدیریتی خود، اعم از برنامه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و قضائی نبوده و در نهایت نمی‌تواند کارویژه تأمین امنیت را عملی سازد. لذا، با تداوم اعتراضات و عدم پشتیبانی مردم، پایه‌های بنیادی نظام متزلزل شده و سپس سقوط می‌کند. پس می‌توان گفت که فقدان آزادی سیاسی، تأثیر منفی در کارویژه امنیت نظام سیاسی خواهد داشت.

۵. نتیجه‌گیری

آزادی سیاسی شاخص مهم امنیت سیاسی، یکی از مقوله‌های مهم و چالش‌برانگیز علوم سیاسی بوده که همواره مورد توجه اندیشمندان سیاسی، به‌ویژه حضرت علی(ع) می‌باشد. کارویژه امنیت نیز از مهم‌ترین وظایف نظام سیاسی بوده که حضرت همواره بر آن تأکید می‌ورزیدند. لذا در این پژوهش نقش آزادی سیاسی در کارویژه امنیت در سیره حضرت علی(ع) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و نتیجه آن می‌تواند به عنوان الگویی برای نظام‌های سیاسی، به‌ویژه اسلامی کاربردی گردد. آزادی سیاسی با توجه به تعریف آن، مبتنی بر

آزادی شهروندان، در اندیشه و تفکر، عقیده، بیان و قلم، و مشارکت در امور سیاسی کشور اعم از (انتخاب رهبر سیاسی، رئیس جمهور، نمایندگان مجلس قانون گذاری، شوراها و غیره) است. همچنین نظارت بر عملکرد دولت مردان، سیاست گذاری ها و برنامه های دولتی، و نقد و انتقاد، اعتراض در مواقع ضروری که مغایر با قوانین و منافع و مصالح عمومی کشور باشد. کارویژه امنیت نظام سیاسی نیز مبتنی بر انجام وظایف حکومت در تمام عرصه های حکومتی و مدیریتی اعم از برقراری امنیت (اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و قضائی و غیره) است. منظور از امنیت سیاسی در کارویژه امنیت، همان آزادی سیاسی براساس تعریف مزبور می باشد. آزادی سیاسی در کارویژه تأمین امنیت، نقش مؤثری دارد. نظام سیاسی با اعطاء آزادی سیاسی بر شهروندان و مشارکت آنان در امور سیاسی حکومت، ضمن تکریم آنان، موجبات امنیت عمومی را فراهم آورده و منجر به وحدت نظام و مردم می گردد. ولیکن با فقدان آن و عدم مشارکت مردم در حکومت و مدیریت، و کنار زدن آنان از امور سیاسی، موجبات ناامنی، نارضایتی، و ناخشنودی آنان را فراهم نموده و با تقابل مردم و حکومت، امنیت سیاسی جامعه مختل شده و اثر منفی بر کارویژه امنیت خواهد داشت.

بنابراین، نظام سیاسی باید به این مسئله واقف باشد که موجودیت نظام، با اتکاء به مردم بوده و تمام برنامه های دولت برای تحقق اهداف کشور، باید در جهت خواسته های مردم از جمله تأمین امنیت، آزادی، رفاه و تعالی آنان در رسیدن به تقرب الهی (امنیت متعالیه) انجام گیرد، در غیر این صورت نظام سیاسی، نظامی دیکتاتور و خودکامه خواهد بود. چنانچه حضرت علی(ع) بارها در فرامین خود، به این موارد که در پژوهش حاضر ذکر شده، اشاره داشته و نظام های سیاسی را از آن ها برحذر می دارند. بنابراین، نظام های سیاسی با اقتباس از سیره حضرت علی(ع)، برای اینکه نظامی مردم سالار و خداپسندانه داشته باشند، باید کرامت شهروندان را ملحوظ داشته و ضمن پاسداشت، آنان را در تصمیمات و سیاست گذاری ها و برنامه ریزی های حکومتی و مدیریتی، مشارکت داده و با استفاده از اتاق فکر و اندیشه شهروندان و نمایندگان نخبه و خیره منتخب آنان، با داشتن هر نوع عقیده، اجازه ابراز عقیده، بیان و اظهار نظر در امور سیاسی، و نقد و انتقاد و اعتراض نسبت به عملکرد نظام، اعم از رهبر و مقامات دولتی و مشارکت در انتخاب آنان سهیم دانسته و نظرات آنان را نافذ و لازم الاجرا بدانند. در چنین شرایطی است که شهروندان به حکومت و نظام، اعتماد کرده و احساس امنیت می کنند، و با دولت و نظام یکپارچه و همبسته شده و از آن پشتیبانی کرده، پایه های نظام را تقویت می کنند. چنین رویکردی نشان از مشروعیت سیاسی و مقبولیت مردمی نظام دارد. نظام هم با این رویکرد، کارویژه امنیت را به طور متعهدانه و خدمتگزارانه ایفا می نماید. در چنین موقعیتی است که امنیت عمومی در کشور فراگیر شده و زندگی متعالیه مردم بروز کرده و تقرب به خدای متعال، ظهور می یابد.

منابع

قرآن کریم

- آقاجمال خوانساری، محمدبن حسین (۱۳۶۶). شرح غرر الحکم و درر الکلم خوانساری. تحقیق جلال‌الدین حسینی ارموی. تهران: دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ج ۴.
- شرف‌الرضی، محمدبن حسین (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه (للسبیحی صالح). قم: هجرت.
- ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمیدبن هبه‌الله (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه لابن‌ابی‌الحدید. قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی، ج ۶.
- اخوان‌کاظمی، بهرام (۱۳۸۵). امنیت در نظام سیاسی اسلام. تهران: کانون اندیشه جوان.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۸). ظرفیت طبیعی امنیت. مطالعات راهبردی، شماره ۵-۶: ص ۲۳-۶۲.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱). امنیت. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- افتخاری، اصغر؛ شریعت‌مدار جزایری، سیدنورالدین؛ لکزایی، نجف (۱۳۸۵). امنیت در اسلام. علوم سیاسی، شماره ۳۴: ص ۷-۵۰.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت و هراس. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تمیمی‌آمدی، عبدالواحدبن محمد (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم. تحقیق علی‌اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم.
- ثقفی، ابراهیم‌بن محمد (۱۴۱۰ق). الغارات (ط-التقدیمه). تحقیق: عبدالزهراء حسینی. قم: دارالکتاب الاسلامی، ج ۱-۲.
- حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی (۱۳۸۰). الحیاة. ترجمه احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۱.
- سیدباقری، سیدکاظم؛ ملاشفیعی، بتول (۱۳۹۶). نسبت‌سنجی عدالت سیاسی و آزادی سیاسی با تأکید بر قرآن کریم. سیاست متعالیه، ۱۸(۵): ص ۷-۲۶.
- عراقی‌نظری، عباس؛ شبانی، محمدرضا؛ کاظمی‌پیرسرا، سیدفرشید (۱۳۹۶). الگوی کارآمد امنیت سیاسی در دولت اسلامی و نقش ناجا مبتنی بر منظومه فکری مقام معظم رهبری. بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۴(۴۰): ص ۶۵-۹۱.
- قمی، عباس (۱۴۱۴ق). سفینه البحار. قم: اسوه، ج ۱.
- لکزایی، نجف (۱۳۹۳). امنیت متعالیه. سیاست متعالیه، ۱۷(۵): ص ۷-۲۸.
- لکزایی، نجف؛ نباتیان، محمداسماعیل؛ کریمیان، نورالله (۱۳۹۵). امنیت ملی دولت اسلامی از منظر فقه شیعه. سیاست متعالیه، ۱۴(۴): ص ۴۱-۶۰.
- لکزایی، نجف؛ نصیری، علی‌اصغر (۱۳۹۳). نسبت امنیت سیاسی و آزادی در اندیشه علامه طباطبائی. پژوهش‌های دفاعی امنیتی اسلام، ۱۱(۱): ص ۹-۳۲.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار (ط-بیروت). بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ج ۳۳.
- محسنی، علی (۱۳۸۲). مبانی و گستره آزادی سیاسی در اندیشه و رفتار حضرت علی(ع). رساله دکتری علوم سیاسی (جامعه‌شناسی سیاسی). تهران: دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق(ع).

موسوی کاشمیری، سیدمهدی (۱۳۸۸). *دولت اسلامی و امنیت*. قم: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.
میراحمدی، منصور (۱۳۸۱). *آزادی در فلسفه سیاسی اسلام*. قم: بوستان کتاب.
ویلیامز، بلدی (۱۳۹۰). *درآمدی بر بررسی های امنیت*. ترجمه علی رضا طیب. تهران: امیرکبیر.
هاشمی خویی، میرزاحبیب‌الله (۱۴۰۰ق). *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة (خونی)*. تهران: مکتبه الاسلامیه، چاپ چهارم، ج ۲۱.

همّتیان، علی اصغر (۱۳۹۲). *امنیت اجتماعی در آموزه های وحیانی*. قم: مؤسسه بوستان کتاب.

Welfers, A. (1952). National security as an Ambiguous symbol. *Political science Quarterly*, 67(4): p.481-502.